

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: الخاندرو مارکو دل پونت
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۲۱ فبروری ۲۰۲۵

وقتی هرج و مرج اقتصادی با برنامه ریزی مواجه می شود



شرکت های دولتی چین برخی از بزرگترین شرکت های جهان هستند و تقریباً یک پنجم شرکت های فهرست فورچون ۵۰۰ را تشکیل می دهند.

هیچکس به طور قطع نمی داند که نویسنده سخنانی طولانی و گاه سطحی خداحافظی جو بایدن چه کسی بوده است. با این حال، بخشی خاص توجه ها را به خود جلب کرد: "می خواهم به کشور در مورد برخی مسائل که عمیقاً مرا نگران می کند هشدار دهم. منظورم تمرکز خطرناک قدرت در دستان تعداد کمی از افراد فوق ثروتمند است... امروز در ایالات متحده، یک الیگارش (حکومت ثروتمندان) از ثروت، قدرت و نفوذ فوق العاده در حال ظهور است که به معنای واقعی کلمه دموکراسی، حقوق و آزادی های اساسی ما و همچنین امکان پیشرفت همه ما را تهدید می کند."

استفاده یک رئیس جمهور امریکائی از اصطلاح "الیگارش" شگفت انگیز بود و بسیاری از مردم را سردرگم کرد. در واقع، خبرگزاری آسوشیتدپرس مقاله ای منتشر کرد که این مفهوم را توضیح می داد: "بایدن هشدار می دهد که ایالات متحده در خطر تبدیل شدن به یک "الیگارش" است." نکته طعنه آمیز این است که خود دموکرات ها، از جمله بایدن، به طور قابل توجهی به تسریع شکل گیری همان الیگارش که اکنون محکوم می کنند، کمک کرده اند. برای درک این پدیده،

همان‌طور که بایدن توصیه کرد، لازم است "هوشیار باشیم"، اما تاکنون دموکرات‌ها از زیر سؤال بردن جدی صعود غول‌های فناوری به قدرت اجتناب کرده‌اند.

نمونه بارز این همدستی، مورد ایلان ماسک و شرکت‌های او است که از حداقل دوره اول اوباما، از سیل یارانه‌ها، معافیت‌های مالیاتی و مشوق‌ها بهره‌مند شده‌اند. در سال ۲۰۰۹، تسلا وام ۴۶۵ میلیون دلاری از وزارت انرژی به عنوان بخشی از بسته محرک‌های اقتصادی دریافت کرد. علاوه بر این، در دوران دولت اوباما، کمیسیون فدرال تجارت (FTC) از بررسی این که آیا گوگل قوانین ضد انحصار را نقض می‌کند، خودداری کرد و شرکت‌هایی مانند اوبر که تحت مدل‌های کاری مشکوک فعالیت می‌کنند، ترویج شدند. اخیراً، تحت دولت بایدن، خزانه‌داری پس از فروپاشی بانک سیلیکون ولی به دلیل شیوه‌های مدیریت ریسک غیرمسئولانه، آن را نجات داد و به فشار سرمایه‌داران خطرپذیر برای نجات آن تن داد.

فهرست نمونه‌ها طولانی است: در طول بیشتر قرن بیست‌ویکم، دموکرات‌ها راه را برای صعود الیگارش‌های فناوری هموار کرده‌اند. در واقع، در حالی که بایدن در حال تمرین سخنرانی خود برای ابراز تأسف از ظهور این مجتمع صنعتی فناوری بود، در ۱۴ جنوری، شش روز قبل از این که دونالد ترامپ ریاست‌جمهوری را بر عهده بگیرد، دستوری اجرائی امضا کرد که زمین‌های فدرال را برای ساخت مراکز داده جدید، به شرکت‌های فناوری که به دنبال گسترش قابلیت‌های هوش مصنوعی خود هستند، اختصاص می‌داد.

الیگارش‌های فناوری پدیده جدیدی نیست. چهره‌هایی مانند جف بزوس و ایلان ماسک، دو تن از ثروتمندترین مردان جهان، قدرت خود را به شیوه‌ای مشابه الیگارش‌های گذشته اعمال کرده‌اند، با درخواست شرایط مطلوب برای شرکت‌های خود، فرار از پرداخت مالیات، دور زدن مقررات و فشار برای تأثیرگذاری بر قوانین. با این حال، الیگارش‌های فناوری باید در چارچوب خودش درک شود، زیرا نشان‌دهنده تکامل مفهوم سنتی است.

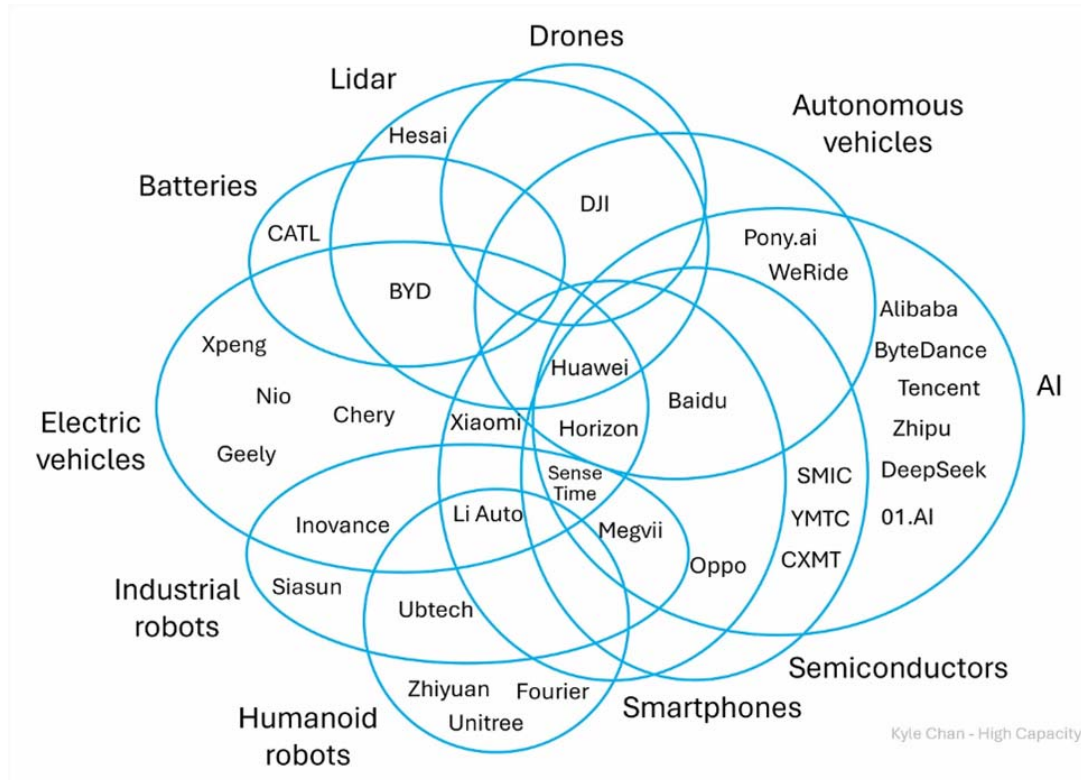
زیرساخت‌های فناوری که جامعه مدرن به آن‌ها وابسته است، توسط چیزی که در اصل یک الیگارش‌ی است کنترل می‌شود. پلتفرم‌های حیاتی برای ارتباطات، جست و جوی اطلاعات و سایر جنبه‌های زندگی دیجیتال در حال حاضر در دست این نخبگان هستند. به عنوان مثال، گوگل ۹۰٪ از بازار جست و جو را کنترل می‌کند، فیس‌بوک توسط هفت نفر از هر ده آمریکایی استفاده می‌شود. آمازون، مایکروسافت و گوگل دو سوم از معماری ابر اینترنت را در اختیار دارند. اگر هر یک از این پلتفرم‌ها از کار بیفتند، بخش بزرگی از وب از بین می‌رود. علاوه بر این، آمازون ۴۰٪ از بازار تجارت الکترونیکی آمریکا را در اختیار دارد. این شرکت‌ها تقریباً قدرت مطلق را بر حوزه‌های خود اعمال می‌کنند، با حداقل دخالت قانون‌گذاران یا عموم مردم.

اما آیا این مشکل واقعی است؟ اخیراً، دونالد ترامپ پیشرفت سریع DeepSeek را به عنوان یک "زنگ بیدارباش" برای شرکت‌های فناوری آمریکا توصیف کرد. یکی از نگرانی‌های اصلی این است که DeepSeek داده‌های کاربران را در چین جمع‌آوری و ذخیره می‌کند، که ممکن است به دولت چین اجازه دهد به اطلاعات حساس دسترسی پیدا کند و خطراتی برای امنیت ملی و حریم خصوصی کاربران ایجاد کند. با این حال، مشکل تنها این نیست، بلکه فقدان سازمان‌دهی و ارتباط متقابل در توسعه صنعتی آمریکا در مقابل ستراتیژی هماهنگ چین است.

این غول آسیایی یک اکوسیستم فناوری و صنعتی بسیار به هم پیوسته ساخته است که شامل خودروهای الکتریکی، باتری‌ها، پهپادها، راکت‌ها، رباتیک، تلفن‌های هوشمند و هوش مصنوعی می‌شود. این رویکرد یکپارچه یک چرخه بازخورد ایجاد می‌کند که پیشرفت در هر بخش را تقویت می‌کند. بر اساس مقاله "اکوسیستم‌های فناوری و صنعتی

همپوشانی چین"، ارتباط متقابل بین صنایع به اشتراک‌گذاری فناوری، مهارت‌ها و منابع را امکان‌پذیر می‌سازد، که به نوبه خود نوآوری و توسعه سریع را تقویت می‌کند.

تصویر نشان‌دهنده مزیت ارتباط متقابل فناوری چین، اکوسیستم‌های فناوری و صنعتی همپوشانی است. پیشرفت چین در طیف وسیعی از صنایع در هم‌تنیده، یک چرخه بازخورد ایجاد می‌کند که به طور متقابل تقویت می‌شود



اکوسیستم‌های فناوری و صنعتی چین با درجه بالایی از ارتباط متقابل بین صنایع مختلف مشخص می‌شوند. این ارتباط متقابل به اشتراک‌گذاری فناوری، مهارت‌ها و منابع بین بخش‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد، که محیطی هم‌افزا ایجاد می‌کند که نوآوری و توسعه سریع را تقویت می‌کند.

کیل چان در تحلیل خود توضیح می‌دهد که چگونه قدرت چین در چندین صنعت همپوشانی، یک اثر ضرب‌کننده ایجاد می‌کند: "سیاست صنعتی مانند یک پازل است: هرچه قطعات بیشتری در زمینه فناوری و توانایی تولید داشته باشید، به پر کردن شکاف‌های باقی‌مانده نزدیک‌تر هستید. اگر در چندین صنعت به هم پیوسته قوی باشید، یک چرخه بازخورد ایجاد می‌کنید که موقعیت شما را در همه آن‌ها تقویت می‌کند."

این رویکرد بر چهار مکانیسم کلیدی استوار است:

۱. تأمین: داشتن تأمین‌کنندگان داخلی، دستیابی به قطعات را تسهیل می‌کند و امکان تطبیق مشخصات با نیازهای صنعت را فراهم می‌کند.

۲. تقاضا: یک بازار داخلی قوی، منبع درآمدی فوری فراهم می‌کند و می‌تواند از طریق سیاست‌هایی مانند تعرفه‌ها و الزامات محتوای محلی تشویق شود.

۳. فناوری: دانش فنی و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه در یک صنعت، به صنایع مرتبط دیگر سود می‌رساند.

۴. مقیاس: تولید در مقیاس بزرگ برای چندین صنعت، امکان دستیابی به صرفه‌جویی‌های بیشتر در مقیاس را فراهم

می‌کند، مانند مورد باتری‌های لیتیومی که به الکترونیک مصرفی، خودروهای الکتریک و ذخیره‌سازی انرژی سرویس می‌دهند.

لازم نیست سیاست‌های اقتصادی دونالد ترامپ را با ایده‌های مطرح شده توسط اقتصاددان المانی فریدریش لیست در اثرش "سیستم ملی اقتصاد سیاسی" که امروزه بسیار محبوب است، مرتبط دانست. هر دو از حمایت‌گرایی به عنوان وسیله‌ای برای تقویت اقتصاد ملی و محافظت از صنایع محلی در برابر رقابت خارجی حمایت می‌کنند.

فریدریش لیست در قرن نوزدهم استدلال می‌کرد که کشورهای در حال توسعه باید صنایع نوپای خود را از طریق تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری محافظت کنند تا رشد و در نهایت رقابت‌پذیری بین‌المللی آن‌ها را تقویت کنند. این ستراتیژی که به عنوان "حمایت‌گرایی آموزشی" شناخته می‌شود، به دنبال تقویت صنعتی‌سازی و قدرت اقتصادی کشور بود. مشکل در اینجا هرج‌ومرج، عدم یکپارچگی و منطبق در توسعه آمریکا، تسخیر دولت توسط منافع شرکتی و نخبگان مالی است.

در این مورد، تعرفه‌ها نقش دیگری ایفا می‌کنند، فراتر از جمع‌آوری درآمد و محافظت از صنعت. آن‌ها سعی می‌کنند در یک سردرگمی عمومی از توسعه بدون کوچکترین ستراتیژی ملی، زمان بخرند.

۲۰ فبروری ۲۰۲۵